

الدرس الخامس عشر

ين = هذا، هذه

ساعت = ساعة، الساعة

چنداست ؟ كم...؟

كدام؟ أي؟ آية؟

طلايى = ذهبي، ذهبية

40 هزار = أربعون ألفاً

تومان = تومان

گران = غالي

ارزان = رخيص/بخس

من دارم = أنا عندي ،انا لي

بفرمائيد= تفضلوا

اينجا= هنا/هذا المكان

خيلى = كثيرا /جدا

قشنگ = جميل، جميلة

زيبا = جميل، جميلة

قيمتش چنداست؟ قيمتها؟ كم ثمنها؟ كم سعرها؟

20 هزار = عشرون ألفاً..

تابلو = لوحة

طبيعي = طبيعي، طبيعية

طبيعت = الطبيعة

بهار = الربيع

ايران = ايران

چرا؟ لماذا؟

چيزي = شيء

تو نمي خري ؟ أنت لا تشتري؟

فرصت = فرصة ، مجال ، وقت

ديگر = آخر، أخرى

البته = طبعاً

والآن نستمع للحوار بين محمد والبائع.

محمد: ببخشيد آقا، اين ساعت چند است؟

محمد: عذراً سيدي، هذه الساعة كم؟

فروشنده: کدام ساعت؟

البائع: أية ساعة؟

محمد: این ساعت طلائی.

محمد: هذه الساعة الذهبية.

فروشنده: قیمت این ساعت ۴۰ هزار تومان است.

البائع: قيمة هذه الساعة أربعون ألف تومان.

محمد: اوه.. گران است.

محمد: اوه... غالية.

فروشنده: البته ساعت ارزان هم داریم. بفرمایید اینجا. این ساعت هم جنس خوبی دارد و هم قیمت آن مناسب است.

البائع: طبعاً عندنا ساعة رخيصة أيضاً. تفضلوا هنا. هذه الساعة نوعيتها جيدة وسعرها مناسب أيضاً.

محمد: قیمتش چند است؟

محمد: سحرها كم؟

فروشنده: ۲۰ هزار تومان.

البائع: عشرون ألف تومان.

محمد: نه. متشكرم.

محمد: لا. شكراً.

كما لاحظنا، لم يشتَرِ محمدُ الساعةَ، نستمع مرة أخرى الى الحوار بين محمد والبائع باللغة الفارسية فقط.

محمد: ببخشيد آقا، اين ساعت چند است؟

فروشنده: کدام ساعت؟

محمد: اين ساعت طلايی.

فروشنده: قيمت اين ساعت ٤٠ هزار تومان است.

محمد: اوه.. گران است.

فروشنده: البته ساعت ارزان هم داریم. بفرماييد اينجا. اين ساعت هم جنس خوبی دارد و هم قيمت آن مناسب است.

محمد: قيمتش چند است؟

فروشنده: ٢٠ هزار تومان.

محمد: نه. متشكرم.

يُشاهدُ حميدٌ لوحةً رسم في أحد المتاجر ويعجب بها كثيراً. ويشتريها ويتحدث مع محمد بشأنها. نستمع الى الحوار بينهما:

حميد: محمد! اين تابلو قشنگ است؟

حميد: محمد! هذه اللوحة جميلة؟

محمد: بله. خیلی زیباست. خیلی طبیعی است.

محمد: نعم. جميله جداً! طبيعية جداً!

حمید: این طبیعت بهار در ایران است. محمد! تو چیزی نمی خری؟

حمید: هذه طبيعة الربيع في ایران. محمد! أنت لا تشتري شيئاً؟

محمد: الآن نه، در يك فرصت دیگر من هم يك تابلوی نقاشی می خرم.

محمد: الآن لا، في فرصة أخرى انا أيضاً أشتري لوحة رسم.

نستمع الى الحوار مرة أخرى باللغة الفارسية فقط.

حمید: محمد! این تابلو قشنگ است؟

محمد: بله. خیلی زیباست. خیلی طبیعی است.

حمید: این طبیعت بهار در ایران است. محمد! تو چیزی نمی خری؟

محمد: الآن نه، در يك فرصت دیگر من هم يك تابلوی نقاشی می خرم.